

را تشخیص دهد. دشمن مخالف نظام و جمهوری اسلامی نبود، بلکه در وهله اول مخالف ایران قوی است. این نقطه‌ای کلیدی است که مردم ما آن را تشخیص دادند.»

او در توضیح اینکه هدف اسرائیل از بین بردن نظام سیاسی نبود، می‌گوید: «عده‌ای از مفسران می‌گویند که اگر خواسته دشمن، از بین بردن نظام بود، راهکارهای دیگری هم وجود داشت، مثل اینکه جنگ ادامه پیدا کند، سیستم مرکزی ما تضعیف شود و در ادامه پیاده‌نظام‌هایی از دور و بر ایران وارد کشور شوند که خیال خام تجزیه ایران را دارند. ما در یک مقطع خاص تاریخی قرار داریم و ملت ایران با هوش اجتماعی سرشار، درست‌ترین مسیر تاریخی را انتخاب کرد. این همبستگی نباید الزاماً به‌پای نظام حاکم نوشته شود. امید ما برای حفظ کشور قطعاً وجود نظام مقتدری است که بتواند شرایط را پیش ببرد. نگاه‌ها و عقاید مختلفی در داخل می‌توانیم داشته باشیم اما وقتی پای دشمن خارجی وسط باشد با هم متحد می‌شویم.»

رحیمی ادامه داد: «دفاع از فرهنگ، هویت و مسائل اجتماعی ما در این جنگ ۱۲ روزه، بسیار مهم بود. اینجا بود که کنشگران اجتماعی، نه الزاماً با لباس جبهه و جنگ که با شخصیت یک مطالبه‌گر اجتماعی، در عرصه دفاع حاضر بودند. در شورای عالی جوانان و معاونت جوانان وزارت ورزش، از نقش بی‌بدیل جوانان باید تقدیر شود. قطعاً همه ما اعتقاد داریم که فاصله‌ای در میان‌کین سنی سازمان‌های مردم‌نهاد اتفاق افتاده است؛ چه در سمن‌های وزارت کشور، چه در سمن‌های وزارت کشور. این موضوع به تهدیدی تبدیل شده بود که جامعه‌شناسان هم به آن اذعان داشتند و می‌گفتند، از منافع ملی به منافع فردی رسیده‌ایم اما در جنگ اخیر، جوانان ما، همان کسانی که شاید چندسال پیش اعتراض داشتند و حتی در کف خیابان بودند، برای کشور استوری می‌گذاشتند.»

تاکید او بر بازتعریف مفهوم انسجام ملی و اجتماعی بود: «ما باید توان خودمان را در جبهه دفاعی تقویت کنیم. جبهه دفاعی ما امروز جوانان و مردمی‌اند که باید با احساس اعتماد و اجماع بر سر منافع ملی وارد عرصه اجتماعی شوند و بهترین بستر برای این کار، سمن‌ها هستند. ستون فقرات دفاع پایدار اجتماعی ما، سازمان‌های مردم‌نهادی‌اند که با روح داوطلبانه وارد کار شدند و احساس مسئولیت کردند. بر همین اساس، در دورانی که جنگ اتفاق افتاد، سردرگم بودیم که چطور باید همدیگر را پیدا کنیم، اما این تهدید را با احساس نیازی که وجود داشت، به فرصت تبدیل کردیم. ما مجموعه‌ای را شکل دادیم که روح حاکم بر آن، فعالیت‌های داوطلبانه بود؛ فعالیت‌هایی که در همه عرصه‌ها در حال انجام است اما نتوانستیم قبل، هم‌زمان و بعد از بحران به‌صورت منسجم، سازماندهی‌شده و هدف‌دار توان‌مان را یکدست کنیم.»

رحیمی از طراحی شبکه‌ای به‌نام «ایران یاران جوان» خبر داد: «هدف ما در این شبکه این است که هرکسی فارغ از اینکه عضو چه سمنی است، به‌خاطر روحیه کار داوطلبانه می‌تواند در این مجموعه حضور داشته باشد، ما در این سیستم همدیگر را می‌شناسیم و برای شرایط بحران و تاب‌آوری بیشتر، نیروها را سازماندهی می‌کنیم. این شبکه که در مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان تشکیل شد، در حال رشد است و تا همین امروز توانسته‌ایم ۲۰ هزار نفر را سازماندهی کنیم. هر استانی دبیر و شورای مرکزی خودش را دارد و مراکز مشخصی برای حضور فیزیکی آن‌ها در نظر گرفته شده است.»

به گفته او، ایجاد سازمان ملی داوطلبان، در دولت حسن روحانی در هیئت‌دولت تصویب شد و معاونت جوانان وقت وزارت ورزش آن موقع مکلف شد که سازوکار را فراهم کند اما تا امروز به‌صورت جدی پیگیری نشده است: «باید مجموعه‌ای از داوطلبانی که نگاه خیر جمعی دارند، به‌صورت منسجم در کل کشور فعالیت کنند. این موضوع را با رئیس جمهور مطرح کرده‌ایم و حمایت کامل آنها را داریم. شبکه «ایران یاران جوان» می‌تواند همان اتاق مشترکی باشد که همه در آن احساس مسئولیت کنند. بسیاری از ما در موضوعاتی مانند اوتیسم، کارآفرینی و کمک به آسیب‌های اجتماعی در حال فعالیت هستیم، اما اگر ایران نباشد، هیچ‌کدام از این قصه‌ها ارزشی نخواهند داشت. در این شبکه ما اول پای کار کشورمان هستیم و بعد، شرایط فراهم می‌شود که در کار تخصصی خودمان هم فعالیت کنیم. همه ما متعلق به این میهن هستیم و شاید شرایط سخت‌تری از آن جنگ ۱۲ روزه پیش‌رو داشته باشیم، ولی امیدواریم که سایه جنگ دور باشد. هیچ‌کدام ما خواهان جنگ نیستیم اما در مقام دفاع تا پای جان، پای کشورمانیم.»

علی ربیعی
رئیس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و دستیار اجتماعی ریاست‌جمهوری:

جنگ، نقش‌ها را بازآفرینی و جایگاه‌های نهادی را بازنمایی می‌کند. جنگ، ضعف‌های ما را هم نشان می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مواردی که باید بازنگری شود، نسبت حاکمیت با نهاد‌های مدنی است.

محمد بطحایی
معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی کشور:

انبوهی از مسائل و موانع برای استفاده از ظرفیت عظیم مشارکت‌ها و شکل‌های مردمی، جلوی راه را بسته است. قوانین پیچیده و بوروکراتیک، نمی‌گذارند پتانسیل‌های موجود به‌عمل برسند

▼ **بهت‌زده از همبستگی**

جنگ می‌تواند در دو حوزه بین‌المللی و داخلی برای ما دو نوع از فهم را در پی داشته باشد. این را **محمد الموتی، دبیر شورای هماهنگی شبکه سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی** در نشست «همبستگی اجتماعی و دفاع ملی» می‌گوید. او معتقد است، قانون تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای که در همان روزهای ابتدایی به تصویب رسید، نشان‌دهنده فهم بین‌المللی دولت از مسئله جنگ بود. اما در حوزه داخلی انتظارها این بود که در حوزه مشارکت اجتماعی با همان سرعت قانونی به تصویب برسد که چنین نشد: «ما باید به این نتیجه می‌رسیدیم که اشتباه کردیم، همه به تلویزیون رفتیم و همه از همبستگی مردم بهت‌زده بودیم. این مسئله جای تحقیق و پژوهش بسیار دارد که شما کارشناسان و پژوهشگران انقدر از مردم دور هستید که از همبستگی آنها با هم شگفت‌زده می‌شوید، شما در کجا سیر می‌کردید که فکر کردید، مردم جور دیگری رفتار می‌کنند. متأسفانه ما این را نه در دولت دیدیم، نه در مجلس.» به گفته او، این همبستگی اجتماعی در موقعیت مشابه بعدی، به این شکل نخواهد بود و ریزش می‌کند: «مردم نگاه می‌کنند که قدم بعدی شما بعد از این همبستگی که از دیدن آن شگفت‌زده شدید، چیست؟ در حوزه فعالیت مردم، شما چه قدمی برداشتید؟ فکر، احساس و تجربه من می‌گوید که نظام تدبیر دچار امتناع مشارکت اجتماعی است. یعنی حتی اگر بخواهند هم سازوکارها جوری طراحی شده که نمی‌تواند مشارکتی شکل بگیرد.»

الموتی نگاه مدیران کشور نسبت به مسئله مشارکت اجتماعی را مورد نقد قرار می‌دهد: «یک‌هزار و ۳۱۸ مدیر را در طول ۴۵ سال بررسی کردیم و دیدیم، ۷۹ درصد آنها عضو خیریه‌ها هستند و کمتر از نیم‌درصد عضو یا هیئت‌موسس یک تشکل حوزه مشارکت اجتماعی هستند.» او از طی شدن یک پروسه چهارساله برای به‌دست آوردن این اطلاعات می‌گوید: «پیدا کردن این اطلاعات چهارسال طول کشید. چون ما در کشور چنین اطلاعاتی را به‌شکل طبقه‌بندی‌شده نداریم. این موضوع نشان‌دهنده نگاه مدیران کشور است. نهایت مشارکت آنها این است که کار خیر کرده و خیریه‌ای درست کنند.» تجربه ریسته او به‌عنوان نماینده تشکل‌ها در دو دهه گذشته نشان می‌دهد که مدیران، مشارکت را در انتخابات و راهپیمایی تعریف می‌کنند: «در ذهن مدیران اینگونه نیست که مشارکت می‌تواند ابعاد دیگری هم داشته باشد.» الموتی بر این باور است که باید مشارکت‌های غیرانتخاباتی و غیرسیاسی در کشور به‌رسمیت شناخته شوند و اجازه شکل‌گیری قراردادهای اجتماعی کوچک در بین مردم را بدهند.

او با اشاره به بند چ ماده پنجم برنامه هفتم توسعه می‌گوید: «مجموعه‌ای، یک بمبی را در بند چ ماده پنج برنامه هفتم توسعه کار گذاشته و نهم اردیبهشت‌ماه امسال، دولت ضامن آن را کشیده است.» در بند چ آمده است که «در راستای مردمی‌سازی اقتصاد، دولت مکلف است با استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی، گروه‌های جهادی که مجوز آنها توسط سازمان بسیج مستضعفین یا از طریق مراجع ذی‌صلاح قانونی یا نهادهای انقلابی یا سازمان بسیج سازندگی با تایید و هماهنگی سازمان بسیج مستضعفین صادر می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز با استفاده از ابزار بازار سرمایه، امکان مشارکت مردم را در فعالیت‌های اقتصادی و عمرانی از جمله توسعه روستایی، آبخیزداری و آبخوانداری، ساخت، بهره‌برداری و مدیریت مراکز بهداشتی - درمانی و اماکن ورزشی، فرهنگی و هنری، ساخت و بهره‌برداری طرح‌های خطوط آهن (پروژه‌های ریلی) و جاده‌ای، ساخت و تولید مسکن، طرح (پروژه)‌های شهری، خدمات بازگانی داخلی و خارجی، خدمات اجتماعی، خدمات فنی، مهندسی و فناوری ارتباطات و اطلاعات و نظایر آن، با روش‌های خرید خدمات، واگذاری مدیریت، مشارکت عمومی - خصوصی، اجاره، بهره‌برداری و نیز سایر روش‌های مندرج در قوانین دائمی، فراهم کند.» الموتی به جداسازی و نام‌گذاری‌های متعدد روی سازمان‌های مردم‌نهاد که در این بند از برنامه هفتم توسعه آمده، اعتراض می‌کند: «در تمام دنیا سازمان‌های مردم‌نهاد یک نوع مشخصی از

فعالیت هستند که حوزه‌های مختلف را پوشش می‌دهند. گروهی خاص را جدا کردند و برایش آیین‌نامه تصویب کردند، مگر چه می‌خواهند بدهند؟ چرا قبل از آن، قانون را اصلاح نکردند؟ انتظار ما این بود که دولت، بند چ ماده پنج را اصلاح کند و جلوی گروه‌سازی بایستد. آیا سازمان مردم‌نهاد قرار است پل‌سازی و آبخیزداری کند؟» او بر این باور است که این بمب توسط گروهی در ابتدای دولت سیزدهم کار گذاشته شد، مجلس آن را تصویب کرد و دولت چهاردهم هم آیین‌نامه اجرایی آن را نوشت.

الموتی تدوین لایحه قانون تشکل‌های مردم‌نهاد را مطالبه سازمان‌های مردم‌نهاد از دولت می‌داند: «ما این مطالبه را در زمان انتخابات هم مطرح کردیم. این لایحه باید با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد تدوین شود و به مجلس برود. دولت می‌تواند براساس بند هشتم قانون اساسی این کار را انجام دهد و به مردم بگوید، بعد از ۴۸ سال برای بندی که مشارکت مردم در آن تاکید شده، قانون‌گذاری و بسترها را فراهم می‌کنند.» او از طرح حمایت اجتماعی محله‌محور که به دستور ریاست‌جمهوری اجرایی شده، انتقاد می‌کند: «بحث محله‌محوری، آسیب‌های جدی دارد چون بسترهای فرهنگی آن در محلات فراهم نیست، منجر به سوءاستفاده افراد خاص می‌شود و قطعاً مردم مشارکت نمی‌کنند.» او به نمایندگی از تشکل‌های مردم‌نهاد از دولت می‌خواهد که آیین‌نامه اجرایی بند چ ماده پنجم برنامه هفتم توسعه را اصلاح کند و تصویب قانون تشکل‌های مردم‌نهاد را پیگیری کند.

▼ **بندهای زیادی به دست‌وا**

فاطمه دانشور، مدیر موسسه مهرآفرین، یکی دیگر از کسانی است که رفتار دولت و نهادهای حاکمیتی با سازمان‌های مردم‌نهاد را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او بر این باور است که تشکل‌های مردم‌نهاد «دفاع از کرامت انسان» هاست: «دولت اعتمادی به ما ندارد. من ۲۰ سال فعالیت کردم و تمام آنچه امروز انجام دادم و می‌دهم را اگر می‌خواستیم به خواست دولت برایش مجوز بگیرم، باید ۱۷۶ مجوز دریافت می‌کردم. این نه شدنی است، نه من را متوقف می‌کند.» به گفته او، سازمان‌های مردم‌نهاد با بندهای زیادی به دست‌وپا، به مردم کمک می‌کنند، چون «ملت، میهن و وطن‌شان» را دوست دارند: «همبستگی را حاکمیت نباید به خودش بگیرد، چون مردم از رفتار حاکمیت ناراحتند. این همبستگی و کنار مردم ایستادن به‌خاطر عشق به وطن است که ما درون‌مان داریم و با همه این دردها می‌خواهیم باری از روی دوش کشورمان برداریم. ما نمی‌خواهیم باری از روی دوش دولت و حاکمیت برداریم.» او درباره تجربه موسسه مهرآفرین در روزهای آغازین جنگ ۱۲ روزه می‌گوید: «روزی که ایران را زدند، یکی از مراکز ما در حال پلمب‌شدن بود. افرادی که در آن مرکز بودند، با استرس بسیاری منتقل شدند و در دولت پزشکیان، این مسئله جای تعجب دارد.» انتظار آنها از دولت، سرعت و پویایی است: «طرح‌های جدیدی مانند طرح محله‌محور، سرعت را گند می‌کند، ما باید مشکلات قبلی را حل کنیم و برای مشکلات انباشته‌شده، راهکار پیدا کنیم.» او وضعیت خروج اتباع از کشور را هم مورد انتقاد قرار می‌دهد: «در حق بخشی از اتباع، ظلم می‌شود و این مسئله در تاریخ ثبت می‌شود.» دانشور دوروایت را به‌عنوان نمونه‌هایی از ظلمی که می‌گوید، مثال می‌زند: «به یک مادر بزرگ با نوه هفت‌ساله‌اش می‌گویند، چهارروز وقت دارند از کشور بروند و او نه می‌تواند ودیعه خانه‌اش را بگیرد، نه می‌تواند وسایل‌اش را جمع کند و با چشمی گریان از کشور می‌رود. مادر دیگری که سه‌دختر دارد را به همین شکل بیرون می‌کنند و او می‌گوید، یکی از دخترهایش را لب مرز می‌فرشود.» او بر این باور است، کسی که اجازه بازشدن بی‌حساب و کتاب مرزها را داد، باید پای میز محاکمه برود: نه اینکه کودکی معصوم تاوان پس دهد. او در این نشست خطاب به علی ربیعی، دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور می‌گوید: «من از شما می‌خواهم در شورای خدمات اجتماعی کشور؛ کارگروهی ویژه موضوع اتباع تشکیل دهند و درباره افشار ضعیف اتباع به‌ویژه زنان، سالخوردگان و کودکان، اقدامی صورت دهند که جلوی این ظلم گرفته شود.»

خبرسازان



دستگیری‌های جدید درباره فروش سوالات کنکور

رئیس سازمان سنجش گفت: در روزهای اخیر بیش از ۷۰ نفر از افراد و گروه‌هایی که ادعای کذبی در خصوص فروش سوالات کنکور در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی داشته و از این طریق اقدام به کلاهبرداری از متقاضیان کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. به گزارش خبرآنلاین، رضا محمدی اعلام کرد که تاکنون بیش از ۷۲۰ هزار نفر از متقاضیان نوبت دوم آزمون سراسری سال ۱۴۰۴، نسبت به مشاهده و دریافت کارت شرکت در آزمون اقدام کرده‌اند: «متقاضیان در صورت مشاهده نقص احتمالی در کارت شرکت در آزمون، باید براساس مفاد اطلاعیه نحوه دریافت کارت و رفع نقص کارت شرکت در آزمون که در درگاه اطلاع‌رسانی سازمان سنجش آموزش کشور منتشر شده است، نسبت به ویرایش یا رفع نقص اقدام کنند.»



خروج ۵ هزار پرستار از چرخه خدمت

رئیس سازمان نظام پرستاری گفت: سالانه حدود پنج هزار پرستار به‌دلیل بازنشستگی و ترک خدمت، از چرخه خدمت خارج می‌شوند. به گزارش ایلنا، احمد نجابتیان درباره آمارهای خروج پرستاران از چرخه خدمت گفت: «اگر سالی ۱۰ هزار پرستار جذب کنیم، پنج‌هزار نفر از این تعداد بابت خروج خواهد بود و در نتیجه فقط پنج‌هزار پرستار به سیستم اضافه می‌شود. لذا با این شرایط، ما نیاز مبرم به جذب نیروی پرستاری داریم.» او درباره نامه کمیسیون بهداشت مجلس به وزیر بهداشت برای جذب نیروهای طرحی دوران کرونا توضیح داد: «این اختیار مجلس است، نه وزارت بهداشت. وزارتخانه همواره خود با کمبود پرستار مواجه بوده و تلاش می‌کند که پرستاران بیشتری جذب کند. از طرفی، عدم جذب و ارائه مجوز استخدام باعث شده که تعدادی از پرستاران به‌صورت شرکته مشغول به‌کار شوند که این موضوع به‌نوعی از محل درآمدهای وزارت بهداشت و بیمارستان‌ها تأمین می‌شود. براساس آنچه‌من می‌دانم در جریان هستم، این مجوز باید از سوی مجلس صادر شود.»



سپردن ۱۷۵ کودک به خانواده‌های امن

معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام کرد که در جریان جنگ ۱۲ روزه، ۱۷۵ کودک را که در مرکز زیر پوشش بهزیستی نگهداری می‌شدند، به خانواده‌هایی که صلاحیت آن‌ها از پیش بررسی شده بود، سپردیم تا از خطرات احتمالی در امان بمانند. به گزارش ایرنا، حسن موسوی‌چلک در مراسم افتتاح مرکز اقامت موقت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در کرمانشاه، گفت: «برخی مراکز نگهداری از کودکان به‌دلیل مجاورت با مراکز حساس، در معرض تهدید جدی قرار داشتند. از جمله شیرخوارگاه آمنه که تنها نیم‌ساعت پیش از بروز خطر تخلیه شد. اگر این اقدام صورت نمی‌گرفت، ممکن بود اتفاقی تلخ برای آنجا رخ دهد.» به گفته او، در حال حاضر ۶۲۰ مرکز نگهداری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست زیر نظر سازمان بهزیستی در حال فعالیت هستند که ۳۴ مرکز از این تعداد، شیرخوارگاه‌های دولتی‌اند. همچنین ۱۸ هزار کودک نیز در کنار خانواده‌های جایگزین نگهداری می‌شوند و از خدمات حمایتی ما بهره‌مند هستند. او اضافه کرد: «اگر چه اولویت ما واگذاری کودکان به خانواده‌هاست، اما تا زمان انتقال آن‌ها به کانون‌های امن خانوادگی، وجود مراکز اقامتی موقت برای گذر از شرایط بحرانی کاملاً ضروری است.»